

کتابی  
نیز کاری  
تست

## مشاوران آموزش

ناشر تخصصی دروس عمومی و علوم انسانی



مجموعه کتاب‌های

تستیک

# فارسی پازدگان

تست و آزمون تشریحی + پاسخنامه کاملآ تشریحی + درسنامه

[ مهدی کرانی ]

# مقدمه

«پشمینه پوش تندخواز عشق نشنیدست بو / از مستیش رمزی بگو تا ترک هشیاری کند» سخن این است که ادبیات، هنر زیبا سخن‌گفتن است و درک آن هوشی بالاتر از هوش ظاهر می‌خواهد که بی‌جا نیست «هوش ادبی» بنامید اش.

ادبیات آن‌گونه که عده‌ای می‌نمایند، اکوان دیو نیست که نیاز به جنگ با آن باشد. ادبیات شهدی است که از سخن سعدی می‌ریزد و رازیست که در کلام حافظ نهفته است. ادبیات عشقی است که فردوسی آن را نثار وطن می‌کند. درک این همه زیبایی و عشق، «هوش ادبی» می‌خواهد.

از ادبیات باید لذت برد، حتی اگر بحث مدرسه و قیل و قال کنکور باشد. راه رسیدن به این لذت، درک مفاهیم ادبی و بهره‌بردن از آموزه‌های درست و البته هوش ادبی است: نه طلسمات و جادوهایی که هرزآموزان (به گفته استاد سبطی) می‌فروشند.

«هوش ادبی» روش نیست که آموختنی باشد. این هوش همانند استعدادهای دیگر انسان، ذاتی است و در سرشت همه ما نهفته است، فقط باید آن را تقویت کنیم. با این دیدگاه، کتابی برای شما تألیف کردیم که می‌کوشد در مسیری گام بردارد که یکی از مقاصد آن، تقویت هوش ادبی شماست. باشد که با بهره‌بردن از پیشنهادها و انتقادهای شما معلمان و دانش آموزان عزیز، هر بار موفق‌تر از پیش این مسیر را پیماییم.

## در این کتاب:

۱. درسنامه‌ها طبق تقسیم‌بندی کتاب درسی در سه «قلمرو» نوشته شد. پس هر متن از سه زاویه فکری، زبانی و ادبی بررسی شده است.
  ۲. سعی شد که در سنامه‌ها فربانی نکته‌های اضافی و جدول‌سازی‌های کنکوری نشوند. برای همین در سنامه‌ها تا حد ممکن جامع و مفصل است.
  ۳. تلاش کردیم که هر مطلب زبانی یا ادبی را هم در درسنامه‌ها و هم در پاسخ‌تست‌ها با دلیل ذکر کنیم؛ نه گزارش دهیم و در شرح آن خساست کنیم.
  ۴. «واژه‌های مهم املایی» در پایان هر درس در قالب یک تمرین مشخص شد.
  ۵. بعد از معزوفی هر مطلب جدید (آرایه‌ها یا نکات زبانی) در درسنامه، تمرینی برای درک بهتر مطلب قرار داده شد که پاسخ آن در ادامه سؤال هست و بیشتر جنبه آموزشی دارد.
  ۶. بخش «بعداً می‌خوانیم» در درسنامه‌ها قرار داده شد تا مطالب و نکاتی که در متن هر درس وجود دارد، اما هنوز آن را نخوانده‌اید و قرار است بعداً با آن آشنا شوید، از قلم نیفتند.
  ۷. چینش تست‌ها بر اساس قلمروهای سه‌گانه است تا شما را در تست‌زنی موضوعی نیز یاری کند. علاوه بر این، تلاش کردیم تا سطح کیفی تست‌ها تا حد ممکن از آسان به دشوار باشد.
  ۸. پاسخ تست‌ها تشریحی و بیشتر با ذکر دلیل رد گزینه‌ها یا اثبات پاسخ‌هast.
  ۹. عنوان‌های «مشاوره» و «ترفند» در پاسخنامه تست‌ها برای دست‌یابی به فهم تست و زودتر رسیدن به پاسخ، در پاسخنامه گنجانده شد.
  - ۱۰- ده آزمون تشریحی به ترتیب زیر در کتاب گنجانده شد تا با خواندن این کتاب، علاوه بر آشنایی با تست‌های فارسی یازدهم، نمونه‌ای از پرسش‌های تشریحی را هم در اختیار داشته باشید:
    - دو آزمون در پایان میان ترم اول (درس ۱ تا ۵)
    - دو آزمون در پایان ترم اول (درس ۱ تا ۹)
    - دو آزمون در پایان میان ترم دوم (درس ۱ تا ۱۴)
    - چهار آزمون در پایان سال (درس ۱ تا آخر)
- در پایان سیاس داریم از همه دوستان زحمت‌کش در واحد تألیف، تولید و پخش مشاوران آموزش که حاصل رنچشان اکنون در دستان شماست.

# مهرست



ستایش: لطف خدا

درس اول: نیکی

درس دوم: قاضی بُست

درس سوم: در امواج سند

درس پنجم: آغازگری تنها

درس ششم: پروردۀ عشق

درس هفتم: باران محبت

درس هشتم: در کوی عاشقان

درس نهم: ذوق لطیف

درس دهم: بانگ چرس

درس یازدهم: یاران عاشق

درس دوازدهم: کاوهه دادخواه

درس چهاردهم: حمله حیدری

درس پانزدهم: کبوتر طوقدار

درس شانزدهم: قصّه عینکم

درس هفدهم: خاموشی دریا

درس هجدهم: خوان عدل

نیایش: الهی

پاسخنامه تشریحی

۷  
۹  
۱۶  
۲۶  
۳۴  
۴۹  
۵۵  
۶۴  
۷۴  
۸۸  
۹۳  
۹۹  
۱۰۹  
۱۲۰  
۱۲۷  
۱۳۹  
۱۴۵  
۱۵۰

۱۶۳

# فصل دوم

ادبیات پایداری

## درس سوم دراموج سند

وقتی سرزمینی اسیر ستم بدخواهان می‌شود، وظیفه مردمان آن سرزمین چیست؟ مبارزه و پایداری. شاعران و نویسنده‌گان هم به عنوان بخشی از مردمان سرزمین ستم دیده به شیوه خود به مبارزه بر می‌خیزند و در این راه گاهی تا حد دوخته شدن دهان و از دست دادن جانشان می‌ایستند. مقاومت و پایداری مردم ستمدیده موضوعی است که در ادبیات پایداری گفته می‌شود؛ پس «ادبیات پایداری» به آثاری ادبی گفته می‌شود که در آن‌ها نویسنده یا شاعر، نظر آگاهی بخش یا انتقادی خود را درباره دادگری، عدالت‌خواهی، بیدادگری، ستم‌ستیزی، آزادی و حقوقی، بازگو می‌کند. ادبیات پایداری زمانی شکل می‌گیرد که کشور به دست اشغالگران افتاده باشد یا آزادی‌های فردی و اجتماعی جای خود را به اختناق و استبداد بدهد. بعضی از ویژگی‌های ادبیات پایداری عبارت اند از: دعوت به مبارزه علیه ستمگری و استبداد، بیان ظلم و جنایت و بی‌عدالتی، امیدوار کردن مردم به پیروزی، بزرگداشت مقام شهدا، ستایش آزادی و آزادگی، ستایش سرزمین و میهن.

نمونه‌ای از «ادبیات پایداری» شعر «در امواج سند» است که در درس هشتم آمده؛ این شعر در قالب «چهارپاره» سروده شده و به پایداری سلطان جلال الدین خوارزمشاه در برابر مولان می‌پردازد:

نهان می‌گشت پشت کوه‌ساران  
به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران

به مغرب، سینه‌مالان قرص خورشید  
فرو می‌ریخت گردی زعفران‌رنگ

**فکر:** غروب غم‌بار خورشید که گویی نشانی از غروب حکومت خوارزمشاهیان دارد.

**ادب:** تشخیص (و استعاره): خورشید سینه‌خیز می‌رود. خورشید نهان می‌شود. / کنایه: «سینه‌مال رفتن» کنایه از آهسته / تناسب: خورشید و مغرب / استعاره: «گرد زعفران‌رنگ» استعاره از نور خورشید

**زبان:** سینه‌مالان: سینه‌خیز رفتن / قرص: چرم، گرد

یک توضیح: اگر بگوییم «گرد» به تنایی استعاره از نور خورشید به زعفران تشییه شده؛ اما وقتی «گرد زعفران‌رنگ» روی هم استعاره از نور خورشید است، دلیلی ندارد بگوییم گرد به زعفران تشییه شده است؛ زیرا خورشید نه گردی دارد و نه بین «گرد» (به تنایی) و «زعفران» ویژگی مشترکی هست.

## آنچه باید بدانیم

به قافیه‌های این شعر دقت کنید! این شعر از چند بند تشکیل شده که هر بند دو بیت دارد. در هر بند مصراحت‌های زوج با هم هم‌قافیه‌اند؛ اما با بندهای دیگر تفاوت دارند؛ با وجود این، بندها از نظر محتوا و وزن با هم یکسانند. به این قالب شعری، «قالب چهارپاره» می‌گویند.

شكل قرارگرفتن قافیه در قالب چهارپاره این گونه است:



قالب چهارپاره بعد از مشروطه و برای بیان مسائل اجتماعی و سیاسی رواج پیدا کرد. از شاعران بزرگ که در این قالب شعر سروده‌اند؛ بهار، فریدون مشیری و فریدون تولی را می‌توان نام برد.

ز هر سو بر سواری غلت می‌خورد  
تن سنگین اسبی تیرخورده  
به زیر باره می‌نالید از درد  
سوار زخم‌دار نیم‌مرده

۲۶

**فکر:** توصیف شکست سپاهیان خوارزمشاه و کشته و زخمی شدن سربازان

**زبان:** «باره»: اسب (واژه دیگری هم با همین شکل و قافیه هست. به معنی «قلعه») که باید با توجه به مفهوم جمله این دو را از هم تشخیص دهید؛ «به باره برآمد، سپه بنگرید» / «زخم‌دار»، «تیرخورده» و «نیم‌مرده» هر سه صفت‌اند برای اسم قبل از خود.

## به زیر دامن شب در سیاهی فروغ خرگه خوارزمشاهی

نهان می‌گشت روی روشن روز  
در آن تاریک شب می‌گشت پنهان

**فکر:** شب تاریک فرا می‌رسید و عمر سلسله خوارزمشاهی هم به پایان خود نزدیک می‌شد. / بد نیست این موضوع را هم بدانیم که: چهار بیت آغازین این شعر، بین غروب خورشید و زوال و نابودی خوارزمشاهیان ارتباطی برقرار کرده است. شاعر با بیان غروب خورشید مخاطبان خود را آماده می‌کند که خبر غروب خوارزمشاهیان را بیان کند. (به این شروع زیرگاه، «براعت استهال» می‌گویند که بعد از آن آشنا فواید شد.)

**ادب:** جناس ناهمسان (ناقص): روی، روز (اختلاف دو واژه در واج پایانی) / تضاد: روشن و سیاهی؛ شب و روز / مجاز: «خرگه» مجاز از قدرت و شکوه / تشخیص و استعاره: «روی روز روز همانند انسان رخ دارد»، «دامن شب» شب همانند انسان دامن دارد. / کنایه «نهان شدن روز در زیر دامن شب» کنایه از تاریکی هوا و آغاز شب است. / استعاره (مکنیه): «فروغ خرگه خوارزمشاهی»، خرگاه به خورشیدی تشبیه شده است که فروغ دارد.

**زبان:** فروغ: روشنایی، شعاع و تابش خورشید / خرگه: خیمه بزرگ، سرپرده بزرگ / خوارزمشاهی: منسوب به خوارزمشاهیان که یکی از سلسه‌های حکومتی در ایران بودند.

## به خون آلوده، ایران کهن دید غروب آفتاب خویشتن دید

به خوناب شفق در دامن شام  
در آن دریای خون، در قرص خورشید

**فکر:** جلال الدین خوارزمشاه، متوجه غروب عظمت ایران باستان و پایان عمر خود شد.

**ادب:** تشبیه (اضافه تشبیهی): شفق به خوناب تشبیه شده است. (و به شب آنها سرفی است). / تشخیص (و استعاره): دامن شام (شب به انسانی تشبیه شده است که دامن را در) / استعاره: «دریای خون» استعاره از «سرخی شفق»؛ آفتاب استعاره از عمر / کنایه: «غروب آفتاب خویشتن دید» کنایه از این که «نابودی خود را دید». / واج آرایی: تکرار واج «ن» در بیت ۷ و واج «د» در بیت ۸

**زبان:** نهاد مذوف: سلطان جلال الدین خوارزمشاه / خوناب: خون آمیخته به آب / شفق: سرخی آسمان هنگام غروب / شام: شب / قرص: گردی / شبکه معنایی: قرص، خورشید، غروب، آفتاب

## که مژگانش به خون دیده تر شد ز آتش هم کمی سوزنده تر شد

چه اندیشید آن دم، کس ندانست  
جو آتش در سپاه دشمن افتاد

**فکر:** کسی از اندیشه‌ای او که باعث گریه‌اش شده بود، خبر نداشت؛ اندیشه‌ای که پس از آن به دشمن حمله کرد.

**ادب:** اغراق: خون دیده / استعاره: «خون» استعاره از اشک / کنایه: «خون دیده» کنایه از «نهایت اندوه و گریه فراوان» / تشبیه: تشبیه سلطان جلال الدین به آتش (و سپس برتری دارد او بر آتش) / تکرار: «آتش» در بیت ۱۰ تکرار شده است.

**زبان:** نهاد مذوف: سلطان جلال الدین خوارزمشاه. / دم: لحظه، زمان اندک، نفس / مژگان: مژه + «گ» میانجی + «ان» جمع «آن دم» در بیت ۹ و «کمی» در بیت ۱۰ نقش «قیدی» دارند.

به این حمله دقت کنید: «می خواهم بروم».  
شما با شنیدن این حمله می‌توانید که من به مدرسه، دانشگاه، خانه، انتشارات، کلاس موسیقی یا ... می‌خواهم بروم؛ همچنین می‌توانید فکر کنید که من همین حالا، یا فرد، یا سال دیگر به جایی که می‌خواهم، می‌روم.  
اما اگر از همان اول جمله «می‌خواهم سال دیگر به دانشگاه بروم» را بشنوید؛ نمی‌توانید موارد دیگر را تصور کنید. در واقع «سال دیگر» و «دانشگاه» واژه‌هایی هستند که معنی جمله را محدودتر و مقید کرده‌اند. به این واژه‌ها «قیدی» یا «گروه قیدی» می‌گوییم.  
پس قیدی یا گروه قیدی، بخشی از جمله است که جمله یا جزوی از آن را مقید می‌کند یا درباره مفهوم حالت، زمان، مکان، تردید، یقین، تکرار و ... توضیحی را به جمله می‌افزاید.

### نمرين در کدام گزینه قید یا گروه قیدی به کار نرفته است؟

- (۱) آدم زیر لب آهسته می‌گفت: اگر شما مرنا نمی‌شناسید، من شما را نمی‌شناسم.
- (۲) ملائکه مقرب هیچ کس آدم را نمی‌شناخند. یک به یک بر آدم می‌گذشند.
- (۳) خاک سوگند برداد به عزّت و ذوالجلال حق که مرا میر.
- (۴) حضرت جلت به خداوندی خویش، در آب و گل آدم، چهل شباروز تصرف می‌کرد.

**پاسخ:** گزینه ۳ / در گزینه ۱ «آهسته» و در گزینه ۲ «یکبهیک» حالت فعل را بیان می‌کنند و در گزینه ۴ نیز «چهل شباروز» مفهوم زمان را در بر دارد؛ اما در گزینه ۳ واژه‌ای که قید باشد، دیده نمی‌شود.

## میان شام رستاخیز می‌گشت به دنبال سر چنگیز می‌گشت

در آن باران تیر و برق پولاد  
در آن دریای خون، در دشت تاریک

**فکر:** جلال الدین خوارزمشاه در آن شب تاریک در میدان نبرد به دنبال انتقام از جنگیزخان مغول بود. (به گلبد نبرد و پایداری بود).

**ادب:** تشبیه (اضافه تشبیهی): باران تیر / مجاز: «پولاد» مجاز از سلاح پولادی، شمشیر / اغراق: باران تیر (به اندازه باران تیر بیارد!)؛ «دریای خون بودن میدان نبرد» نیز بزرگ‌نمایی دارد. / استعاره: شاعر میدان نبرد را به «شام رستاخیز» تشبیه کرده است؛ «دریای خون» نیز استعاره از میدان نبرد است. / جناس ناهمسان (ناقص): در و سر / نهاد مذوف: سلطان جلال الدین خوارزمشاه

**زبان:** برق: درخشش / پولاد: فولاد (تلخیز «ف» به بای «پ» بعد از بیشتر رواج پیدا کرد؛ پارسی؛ فارسی؛ پیل؛ فیل) / رستاخیز: قیامت

## قلمروی اشعار کانه

بدان شمشیر تیز عافیت‌سوز  
ولی چندان که برگ از شاخه‌می‌ریخت

در آن ابوه، کار مرگ می‌کرد  
دوچندان می‌شکفت و برگ می‌کرد

**فکری:** جلال‌الدین با شمشیر بران خود در حال کشتار مغلولان بود. اما تعداد سربازان مغلول بسیار زیاد بود و این کشتار مانع شکست خوارزمشاهیان نمی‌شد.

**ادبی:** تشبیه: «سلطان جلال‌الدین» به «مرگ»؛ وجه شبیه: جان‌ستانی و کشتار / استعاره: «برگ» استعاره از سربازان مغلول: «شاخه» استعاره از «سپاه مغلول» / کنایه: «عافیت‌سوز» کنایه از نابود‌کننده: «کار مرگ کردن» کنایه از کشتن؛ بیت ۱۴ کنایه از بی‌شمار بودن سربازان مغلول / تناسب: برگ، شاخه، شکفت، برگ کردن

**زبانی:** نهاد محدود: سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه / عافیت‌سوز: از بین برنده سلامتی / کار: عمل، شغل، جنگ / برگ می‌کرد: می‌روید، به وجود می‌آمد / تنسيق الصفات: شمشیر تیز عافیت‌سوز، صفت فاعلی مرکب مرخّم: عافیت‌سوز (عافیت‌سوزنده)

میان موج می‌رقیبد در آب  
به رود سند می‌غلتید بر هم

**فکری:** انعکاس لرزان تصویر ستارگان در میان موج‌های رود سند و حرکت موج‌ها

**ادبی:** تشخیص (و استعاره): رقصیدن ستارگان / تشبیه: «حرکت موج‌های رود سند» به «غلتیدن کوه‌های بزرگ بر روی هم» تشبیه شده است.

**زبانی:** اخته: ستاره / گران: سنگین، عظیم

دل شب می‌درید و پیش می‌رفت  
از این سد روان، در دیده شاه

**فکری:** توصیف رود سند و این که این رود در برابر جلال‌الدین قرار داشت و راه او را بسته بود. (برای همین مثل نیشی بود که به پشم پلال‌الدین فرو می‌رفت.)

**ادبی:** تشخیص و استعاره: «دل شب» شب مانند انسانی که دل دارد؛ رود سند دل کسی را شکافته و پیش می‌رود. / استعاره: «دل شب» اضافة استعاری؛ «سد روان» استعاره از «رود سند» / تشبیه: «موج» را به «نیش» تشبیه کرده است. / کنایه «مثل نیش در دیده رفتن چیزی» کنایه از آزاردهنده بودن آن چیز / نهاد محدود: رود سند

**زبانی:** ژرف: عمیق / خروشان، ژرف، بی‌پهنا و کف‌آلود صفت‌هایی هستند که پشت سر هم برای رود گفته شده‌اند. (به این شیوه پند صفت آوردن برای یک موصوف، تنسيق الصفات می‌گویند.)

بنای زندگی بر آب می‌دید  
در آن سیماب‌گون امواج لرزان

**فکری:** توصیف گریستن جلال‌الدین و فکری که برای عبور از مانع (رور سند) به سرش می‌زند.

**ادبی:** تشبیه (اضافةً تشبیهی): «بنای زندگی» / کنایه: «بنای چیزی بر آب دیدن» کنایه از «در معرض فنا و نابودی بودن آن چیز» / ایهام: - بنای زندگی را نابودشده می‌دید. - سلطان جلال‌الدین اشک می‌ریخت و دنیا را با چشمان اشک‌آلود می‌نگریست. / تشبیه: «امواج» به «سیماب» / کنایه: «حیال تازه در خواب می‌دید» کنایه از این که فکر تازه‌ای به ذهنش رسیده بود. / نهاد محدود: جلال‌الدین خوارزمشاه

**زبانی:** رخسار: صورت، چهره / سیماب: جیوه؛ سیماب‌گون: به رنگ جیوه، جیوه‌ای

سوارانی زره‌بوش و کمان‌گیر  
دمار از جان این غولان کشم سخت

به یاری خواهم از آن سوی دریا

**فکری:** تصمیم جلال‌الدین که در دو بیت قبل به آن اشاره شد، این است که زنان و کودکان را به رود بسپارد و با خیالی آسوده‌تر به نبرد با مغلولان بروند. همچنین او می‌خواهد که در صورت شکست خوردن از مغلولان، خود را به آب بیندازد و از رود بگذرد و پس از جمع کردن سپاهی تازه، به نبرد با دشمنان بازگردد. (برخی از ایاتی که این مفهوم را کامل می‌کنند در کتاب درسی نیامده‌اند.)

**ادبی:** مجاز: «دریا» مجاز از رود سند است (رود سند، به‌خاطر آب زیاد یا به‌خاطر این که بعداً به دریا می‌پیوندد، «دریا» خوانده شده است). کنایه: «کمان‌گیر» کنایه از کسی که مهارت تیراندازی با کمان یا مقابله با تیرهای دشمنان را دارد؛ «دمار از کسی کشیدن» کنایه از شکست دادن و نابود کردن او / استعاره: «غولان» استعاره از مغلولان / شیوه بلاغی: فعل جمله در هر دو بیت قبل از سایر اجزای جمله آمده است.

**زبانی:** «سخت» در مصراع سوم قید است. / در گروه اسمی «جان این غولان» «جان» هسته و «این غولان» وابسته ( مضاد الیه) است.

به راه مملکت، فرزند و زن را  
رهاند از بند اهريم، وطن را

شبی آمد که می‌باید فدا کرد  
به پیش دشمنان استاد و جنگید

**فکر:** در راه وطن از جان گذشتن و حتی فداکردن عزیزان واجب است.

**ادب:** مجاز: «فرزند و زن» مجاز از «همه هستی و دارایی»؛ بند مجاز از اسارت و اشغال / استعاره: «اهرم» استعاره از «مغولان» / «از بند رهاندن» کنایه از نجات دادن / نهاد محدود: جلال‌الدین خوارزمشاه

**زبانی:** «استاد»: مخفف (کوتاه شده) «استاد»؛ اهریم: شیطان، مظہر شر و فساد

زن‌ها سر، ز سرها خود افکند  
چو کشتی، بادپا در رود افکند!

شبی را تا شبی بالشکری خرد  
چولشکر گرد بر گردش گرفتند

**فکر:** نبرد جلال‌الدین در ۲۴ ساعت (شبی تا شبی) و گریز او از پیش دشمن

**ادب:** تکرار: «شی»، «سر» / کنایه: «گرد بر گردش گرفتند» کنایه از «اسب» / جناس همسان (تام)،  
جو (وقتی که، در مصراج اول) و جو (ماهند، در مصراج دوم) / تشییه: «بادپا» به «کشتی» تشییه شده است.

**زبانی:** لشکری خرد: لشکری اندک / تن‌ها / خود: کلاه نظامی که از آهن و فلز می‌سازند؛ کلاه‌خود / صفت جانشین موصوف: «بادپا»  
به جای اسب (که آرایه کنایه را هم ساخته است).

از آن دریای بی‌پایاب، آسان  
که گر فرزند باید، باید این‌سان!

چو بگذشت، از پس آن جنگ دشوار  
به فرزندان و یاران گفت چنگیز

**فکر:** شگفت‌زده شدن مغولان به‌خاطر گذشتن جلال‌الدین از رود سند. (پنگیز این هرگزت به‌لال‌الدین را می‌ستاید). این دو بیت موقوف‌المعانی هستند.

**ادب:** تضاد: دشوار و آسان / مجاز: «دریا» مجاز از «رود» / نهاد محدود: جلال‌الدین خوارزمشاه

**زبانی:** بی‌پایاب: عمیق / این‌سان: این‌گونه

چه بسیار است، آن سرها که رفته!  
خداداند چه افسرها که رفته!  
مهوری همیری شیرازی

به پاس هر وجب خاکی از این مُلک  
ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک

**فکر:** میهن، یادگار خون‌های ریخته‌شده‌ای است که در تمام تاریخ به‌خاطر دفاع از آن ریخته شده است.

**ادب:** مجاز: «سر» مجاز از «جان سربازان»؛ «افسر» مجاز از «پادشاهان و سرداران»؛ «وجب» مجاز از اندازه بسیار کوچک؛ «خاک» مجاز از ایران / جناس ناهمسان: «بر»، «سر»، «هر» / واچ‌آرایی: تکرار واج «رو» در بیت آخر / کنایه: «رفتن» کنایه از کشته شدن

**زبانی:** پاس: نگه‌داری، مواظبیت / وجب: فاصله میان انگشت بزرگ و انگشت کوچک دست، در حالی که تمام انگشت‌ها باز باشد. / مُلک: سرزمین،  
کشور / قطعه: پاره، تکه / افسر: تاج و کلاه پادشاهان، صاحب منصب

## ﴿۹﴾ موضع امثالی

در گروه‌واژه‌های زیر، املای کدام واژه‌ها نادرست است؟

«قرص خورشید، خرگه خوارزمشاهی، خوناب شفق، شمشیر عافیت‌سوز، رقص مرگ، غلطیدن سنگ، سیماب‌گون و جیوه‌ای، ذره و کمان، قطعه خاک، سرها و افسرها»

پاسخ: واژه‌های غلتبین و زره (با توجه به واژه «کمان»، «زره» مدد نظر است). به‌شکل نادرست نوشته شده‌اند.

## بعداً می‌خوانیم

ابیات آغازین شعر دارای آرایه «براعت استهلال» است. براعت استهلال را که فراموش نکرده‌اید؟ شاعر برای ورود به داستان، توصیفی از طبیعت می‌آورد که فضای کلی داستان در آن هست. در ابیات آغازین این شعر هم توصیف غروب اندوه‌بار خورشید را می‌بینیم که یادآور غروب سلسله خوارزمشاهی است.

متناقض‌نما: «سد روان» (دو ویگی متفار مه‌زمان در یک پریده پمچ شده است).

حکیمی را پرسیدند: «چندین درخت نامور که خدای عزوجل آفریده است و برومند، هیچ یک را آزاد نخواهد اند؛ مگر سرو را که ثمره‌ای ندارد. در این چه حکمت است؟» گفت: «هر درختی را ثمره معین است که به وقتی معلوم، به وجود آن تازه آید و گاهی به عدم آن پژمرده شود و سرو را هیچ از این نیست و همه وقتی خوش است و این است صفت آزادگان.»

**فکری:** دلبستن و واپسنهشدن به جهان مادی، مایه رنج و ناراحتی است؛ اما در بند مادیات نبودن، مایه خوشی و سبکباری است که ویژگی آزادگان است.

**ادبی:** تضاد؛ عدم وجود؛ تازه و پژمرده؛ است و نیست / مراعات نظیر؛ درخت، ثمره، سرو

**ربانی:** حکیمی را، از حکیمی (کاربرد «را» بهای «از») / نامور، مشهور / عزوجل، گرامی و بزرگ است. / برومند؛ میوه‌دار؛ بر + مُوند / ثمره؛ میوه / حکمت؛ دانش، دلیل / معین؛ مشخص / تازه آید؛ شاداب شود، باطرافت شود / عدم؛ نبودن / پژمرده؛ خشک، پلاسیده

به آنجه می‌گزدد دل منه که دجله بسى پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد

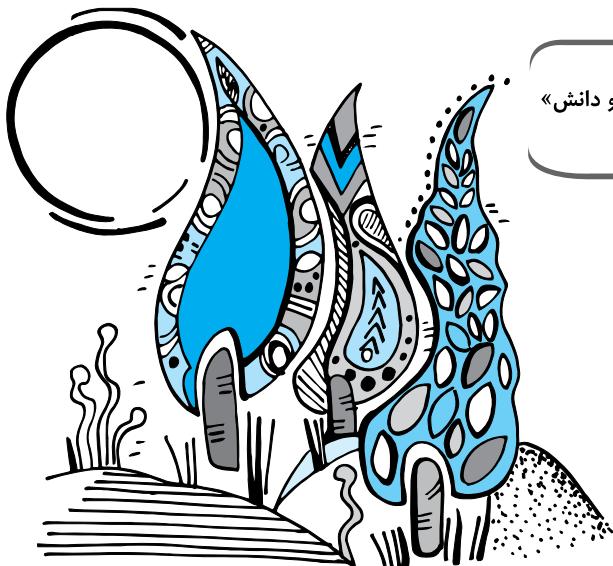
گرت ز دست برآید، چو نخل باش کریم ورت ز دست نیاید، چو سرو باش آزاد

گلستان، سعدی

**فکری:** دلیسته دنیا نباش؛ اگر از دست بر می‌آید، بخشندۀ باش و اگر بر نمی‌آید، آزادمرد باش و خود را برای مال دنیا خوار مکن؛ زیرا اموال دنیا به دنیا تعلق دارد و پس از مرگ ما نیز در همین دنیا خواهد ماند.

**ادبی:** کنایه از واپستگی؛ «از دست برآمدن» کنایه از داشتن توانایی و امکان / تناسب؛ دجله و بغداد؛ نخل و سرو / تمثیل؛ شاعر برای مطلبی که می‌گوید، باقی ماندن دجله پس از مرگ خلیفه را مثال می‌زنند. / تشبیه؛ مانند نخل بخشندۀ باش؛ مانند سرو آزاده باش. / مجاز؛ «دست» مجاز از قدرت و توانایی / تکرار؛ چو؛ دست؛ باش

**ربانی:** دجله؛ رودی در عراق / خلیفه؛ حاکم دولت اسلامی (در دوره سعدی، هالمان بنی عباس) / گرت؛ مخفف اگر تو را / کریم؛ بزرگوار، بخشندۀ



مالی کدام واژه نادرست است؟ «درخت نامور، عزوجل، میوه و سمره، حکمت و دانش»

پاسخ: واژه «سمره» به معنی میوه با املای «سمره» نادرست است.

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سوم



### قلعرو زبانه: الف) واژگان و املای

.۸۳ معنی «گشن» در کدام ایيات یکسان است؟

- (الف) به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید  
(ب) در آن باران تیر و برق پولاد  
(ج) در آن دریای خون، در دشت تاریک  
(د) در آن تاریک شب می‌گشت بنهان

الف - ج ب - د

۳۰

معنی واژه‌ها در همه گزینه‌ها تمام درست ذکر شده است، به جز .....

الف - د

- ۱ رستاخیز، سینه‌مالان، خرد، مُلک؛ قیامت، سینه‌خیز، انگک، سرزمین **۱** شام، انبوه، بی‌پایاب، برومند؛ آغار شب، زیاد، زرف، بارور **۲** گران، اختز، پاس، کریم؛ سنگین، ستاره، نگهبان، بخشندۀ **۳** سیماب‌گون، زرف، باره، ثمره؛ جیوه‌ای، عمیق، اسب، میوه



**۸۵ واژه‌های «خرگه، همت، شفق، عافیت، فروغ» در کدام گزینه درست معنی شده‌اند؟**

- ۱) سوابerde بزرگ، خواست، سرخی هنگام طلوع آفتاب، تندرست، روشنایی  
۲) زمرة، کوشش، سرخی هنگام طلوع آفتاب، سالم بودن، روشن

**۸۶ واژه‌های «قرص، اهریمن، افسر، نامور» بهتر ترتیب؛ یعنی .....**

- ۱) چرم، ابلیس، تاج شاهان، معروف  
۲) سیاره، غرفت، ترگ، شهره  
۳) محکم، دبو، صاحب منصب، آبرومند

**۸۷ معادل معنایی «باره، ژرف، عظیم، ترگ، تاج» بهتر ترتیب در کدام ایات به کار رفته است؟**

- الف) زمستی بر سر هر قطعه زین خاک  
خدا داند چه افسرها که رفته  
ب) چو بگذشت از پس آن جنگ دشوار  
از آن دریای بی‌پایاب، آسان  
ج) شبی را تا شبی بالشکری خرد  
زن‌ها سر، ز سرها خود افکند  
د) به رود سند می‌غلتید ببر هم  
ز امواج گران، کوه از پی کوه  
ه) چو لشکر گرد ببر گرفتش گرفتند  
چو کشتی، بادپا در رود افکند

۱) الف، ب، ب، د، ج، الف

۲) هـ ب، د، ج، الف

۳) هـ ب، د، ج

۴) هـ ب، د، ج

**۸۸ در متن زیر چند غلط املایی وجود دارد؟**

«به صواب آن لایق تر که بر معالجه مواظبت نمایی و بدان التفات نکنی که مردمان غدر طبیب ندانند؛ لکن در آن نگر که اگر توفیق باشد و یک شخص را از چنگال مشقت خلاص طلبیده آید، آمرزش بر اطلاق مستحکم شود.»

۱) یک

۲) دو

۳) چهار

۴) سه

**۸۹ کدام گزینه فاد غلط املایی است؟**

- ندام غرس خورشید است یا رو  
که آفتاب که می‌تابد از گریبانست  
دیر حقیقت درخت بی‌سمرا است  
الا بر آن که دارد با دلبری وصالی

- دو چشم خیره ماند از روشنایی  
مه دوهفتنه ندارد فرورق چندانی  
آدمی را که جان معنی نیست  
هرگز حسد نبردم بر منصبی و مالی

**۹۰ در کدام عبارت غلط املایی یا رسم الخطی وجود ندارد؟**

- ۱) به بیت‌الأحزان رفت و روی بر زمین نهاد و جیحون از فواره دیده می‌راند.

- ۲) اگر پادشاهان در عفو و اعماض بسته گردانند و از هر که اندک قدری بینند یا در باب وی به کراحتی مثل دهنند، بیش بر وی اعتماد نفرمایند.  
۳) و سرو را هیچ از این نیست و همه وقتی خوش است و این است صفت آزاده‌گان.  
۴) او را پسری درسید که آثار نجابت در چهره او ظاهر بود. خاست که از جمیت او کریمه‌ای خطبه کند.

### ب) دستور زبان

**۹۱ نقش واژه‌های مشخص شده در کدام بیت نادرست است؟**

- (نهاد)،  
(مضافقایه)  
(مسند)  
(قید)
- به زیر دامن شب در سیاهی  
ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت  
فروغ خرگه خوارزمشاهی  
غروب آفتاب خویشتن دید

- ۱) نهان می‌گشت روی روشن روز  
۲) از این سد روان در دیده شاه  
۳) در آن تاریک شب می‌گشت پنهان  
۴) در آن دریای خون در قرص خورشید

**۹۲ نهاد در کدام گزینه حذف شده است؟**

- نهان می‌گشت پشت کوهساران  
فروغ خرگه خوارزمشاهی  
به خون آلوده ایران کهن دید  
به رقص مرگ اخترهای انبسوه

- ۱) به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید  
۲) در آن تاریک شب می‌گشت پنهان  
۳) به خوناب شفق در دامن شام  
۴) میان موج می‌رقیبد در آب

**۹۳ «مفهول» در همه ایات، به جز بیت ..... درست مشخص شده است؟**

- ز تن‌ها سر ز سرها خود افکند  
چو کشتی بادپا در رود افکند  
به راه مملکت فرزند و زن را  
بدانی قدر و بر هیچش نبازی

- ۱) شبی را تا شبی بالشکری خرد  
۲) چو لشکر گرد ببر گرفش گرفتند  
۳) شبی آمد که می‌باید فدا کرد  
۴) از آن این داستان گفتم که امروز

**۹۴ در همه عبارت‌ها قید دیده می‌شود، به جز .....**

- ۱) آنان دوشادش هم در مزععه کار می‌کردند.  
۲) آن‌ها چند روز مانده به عید زندگی مشترکشان را آغاز کردند.  
۳) بدو بدو آمدیم که بینیم چه خبر شده.

**۹۵ در بیت «خروشان، ژرف، بی‌پهنا، کف آسود / دل شب می‌درید و پیش می‌رفت» چند قید دیده می‌شود؟**

- ۱) سه ۲) چهار ۳) پنج ۴) شش

### قلمرو ادبی (آرایه‌های ادبی)

**۹۶ کدام آرایه در بیت زیر به کار نرفته است؟**

- ۱) در آن دریای خون، در قرص خورشید  
۲) تشبيه

**۹۷ در کدام بیت آرایه «مجاز» مشهود است؟**

- ۱) چو لشکر گرد ببر گرفش گرفتند  
۲) شبی آمد که می‌باید فدا کرد  
۳) ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک  
۴) به رود سند می‌غلتید ببر هم

(سراسری، صفحه ۹۷)

(سراسری، صفحه ۹۱)

(سراسری، تجربه ۹۷)

- (استعاره - کنایه)  
(تشیبه - تنافض)  
(جناس - استعاره)  
(تشیبه - مجاز)

حیف است که بر خاک نشاند به جز تاک  
برخیز پی جلوه که برداریم از خاک  
با خوی تو خوش فارغم از تندی افلاک  
وز یاد لب خاطر عشق، طربناک

ای لب شیرین جواب تاخ سربالا چرا  
تحمل می کنم با خشم چون مرهم نمی بینم  
آن را که فلک زهر جدایی پچشاند  
مرگم رسیده بود ولیکن خدا نخواست

نهان می گشت پشت کوهساران  
ز هر موجی هزاران نیش می رفت  
تار این ره چه کند همت مردانه ما  
ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد

۵ ب - ۴

مان‌خسواری ملایکمنظری  
سمن بری، صنمی، گلخی، جفاکاری  
به گاه جلوه‌گری چون تذوق‌فتری  
که ماه را بر حُسْنِش نمایند بازاری

فروغ خرگه خوارزمشاهی  
بنای زندگی بر آب می دید  
به خون آسوده ایران کهن دید  
سپیددم جهان در خون نشیند

۶ الف - ۵

به یاد آر محیان بادیما را  
داغ سودای توان سر سویدا باشد  
کوفته را نان تهی کوفته است  
وان ماه در راه آمدۀ از هزم تو با کوفته

آرایه‌های بیت «به پیش دشمنان استاد و گنجید / رهاند از بند اهريمن وطن را» در کدام گزینه درست آمده است؟

(۱) استعاره، تشیبه، تناسب (۲) مجاز، کنایه، استعاره (۳) تشخیص، تناسب، کنایه (۴) تلمیح، تشیبه، مجاز

۱۰۵ ترتیب قرار گرفتن ایيات به لحاظ داشتن «تشیبه، متنافقنما، ایهام، حس‌آمیزی و تلمیح» در کدام گزینه درست است؟ (سراسری، زین ۹۳)

۵ د، ه الف، ب، ج

لیک ترکش نکنم گر همه قربان گردیدم  
هر جا که بسوی خون شنونی منزل من است  
کان چه نتوانست بردن آسمان، بر دوش اوست  
هر که از بی خبران است خبردارتر است  
عشق ستیزه خوی چنانم گرفته است

۶ الف، د، ب، ج، ه

۷ ه، د، الف، ب، ج

۸ الف، ب، ج، د، ه

۹ الف، ب، ج، ه

۱۰ الف، ب، ج، ه

۱۱ الف، ب، ج، ه

۱۲ الف، ب، ج، ه

۱۳ الف، ب، ج، ه

۱۴ الف، ب، ج، ه

۱۵ الف، ب، ج، ه

۱۶ الف، ب، ج، ه

۱۷ الف، ب، ج، ه

۱۸ الف، ب، ج، ه

۱۹ الف، ب، ج، ه

۲۰ الف، ب، ج، ه

۲۱ الف، ب، ج، ه

۲۲ الف، ب، ج، ه

۲۳ الف، ب، ج، ه

۲۴ الف، ب، ج، ه

۲۵ الف، ب، ج، ه

۲۶ الف، ب، ج، ه

۲۷ الف، ب، ج، ه

۲۸ الف، ب، ج، ه

۲۹ الف، ب، ج، ه

۳۰ الف، ب، ج، ه

۳۱ الف، ب، ج، ه

۳۲ الف، ب، ج، ه

۳۳ الف، ب، ج، ه

۳۴ الف، ب، ج، ه

۳۵ الف، ب، ج، ه

۳۶ الف، ب، ج، ه

۳۷ الف، ب، ج، ه

۳۸ الف، ب، ج، ه

۳۹ الف، ب، ج، ه

۴۰ الف، ب، ج، ه

۴۱ الف، ب، ج، ه

۴۲ الف، ب، ج، ه

۴۳ الف، ب، ج، ه

۴۴ الف، ب، ج، ه

۴۵ الف، ب، ج، ه

۴۶ الف، ب، ج، ه

۴۷ الف، ب، ج، ه

۴۸ الف، ب، ج، ه

۴۹ الف، ب، ج، ه

۵۰ الف، ب، ج، ه

۵۱ الف، ب، ج، ه

۵۲ الف، ب، ج، ه

۵۳ الف، ب، ج، ه

۵۴ الف، ب، ج، ه

۵۵ الف، ب، ج، ه

۵۶ الف، ب، ج، ه

۵۷ الف، ب، ج، ه

۵۸ الف، ب، ج، ه

۵۹ الف، ب، ج، ه

۶۰ الف، ب، ج، ه

۶۱ الف، ب، ج، ه

۶۲ الف، ب، ج، ه

۶۳ الف، ب، ج، ه

۶۴ الف، ب، ج، ه

۶۵ الف، ب، ج، ه

۶۶ الف، ب، ج، ه

۶۷ الف، ب، ج، ه

۶۸ الف، ب، ج، ه

۶۹ الف، ب، ج، ه

۷۰ الف، ب، ج، ه

۷۱ الف، ب، ج، ه

۷۲ الف، ب، ج، ه

۷۳ الف، ب، ج، ه

۷۴ الف، ب، ج، ه

۷۵ الف، ب، ج، ه

۷۶ الف، ب، ج، ه

۷۷ الف، ب، ج، ه

۷۸ الف، ب، ج، ه

۷۹ الف، ب، ج، ه

۸۰ الف، ب، ج، ه

۸۱ الف، ب، ج، ه

۸۲ الف، ب، ج، ه

۸۳ الف، ب، ج، ه

۸۴ الف، ب، ج، ه

۸۵ الف، ب، ج، ه

۸۶ الف، ب، ج، ه

۸۷ الف، ب، ج، ه

۸۸ الف، ب، ج، ه

۸۹ الف، ب، ج، ه

۹۰ الف، ب، ج، ه

۹۱ الف، ب، ج، ه

۹۲ الف، ب، ج، ه

۹۳ الف، ب، ج، ه

۹۴ الف، ب، ج، ه

۹۵ الف، ب، ج، ه

۹۶ الف، ب، ج، ه

۹۷ الف، ب، ج، ه

۹۸ الف، ب، ج، ه

۹۹ الف، ب، ج، ه

(سراسری، صفحه ۹۷)

(سراسری، راضی ۹۱)

(سراسری، تجربه ۹۷)

کدام بیت فاقد «استعاره» است؟

- ۱) جور است که در جام فشنند به جز می  
۲) خاک سر راهت شدم ای لعبت جالاک  
۳) با چشم تو آسوده ام از فتنه ایام  
۴) از عکس رخت دامن آفاق، گلستان  
در کدام بیت بیشترین آرایه «تضاد» وجود دارد؟

- ۱) شور فرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود  
۲) قناعت می کنم با درد چون درمان نمی بیام  
۳) شیرین ننماید به دهانش شکر وصل  
۴) گردون مراز محنت هست رها نخواست  
آرایه‌های نوشته شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید  
۲) از این سد روان در دیده شاه  
۳) در ره عشق وطن از سر و جان خاسته‌ایم  
۴) گرت ز دست برآید چون نخل باش کریم  
در همه ایيات، تعداد تشیبه‌ها، یکسان است، به جز

- ۱) سرورفشاری صبور قاتل  
۲) مرا دلی است گرفتار عشق دلداری  
۳) همای فری، طاووس حسنی و طوطق نطق  
۴) بنفشه‌زلفی، نسرین بری، سمن بوبی  
آرایه‌های موجود در کدام دو بیت یکسان است؟

- ۱) (الف) در آن تاریک شب می گشت پنهان  
ب) ز رخسارش فرومی ریخت اشکی  
ج) مه خوناب شفق در دامن شام  
د) اگر یک لحظه امشب دیر جند  
۲) الف - ج

- ۱) همه آرایه‌های «واج آرایی، جناس همسان، تناسب، تشیبه» در بیت ..... دیده می شود.  
۲) چو با حبیب نشینی و باده پیمامی  
۳) من چو از خاک لحد لاصفت برخیزم  
۴) کوفته بر سفره من گو بیاش  
۵) ای افتخار روی تو کرده هزیمت ساه را

آرایه‌های بیت «به پیش دشمنان استاد و گنجید / رهاند از بند اهريمن وطن را» در کدام گزینه درست آمده است؟

(۱) استعاره، تشیبه، تناسب (۲) مجاز، کنایه، استعاره (۳) تشخیص، تناسب، کنایه (۴) تلمیح، تشیبه، مجاز

۱۰۴ ترتیب قرار گرفتن ایيات به لحاظ داشتن «تشیبه، متنافقنما، ایهام، حس‌آمیزی و تلمیح» در کدام گزینه درست است؟

(۱) استعاره، تشیبه، تناسب (۲) مجاز، کنایه، استعاره (۳) تشخیص، تناسب، کنایه (۴) تلمیح، تشیبه، مجاز

۱۰۵ ترتیب قرار گرفتن ایيات به لحاظ داشتن «تشیبه، متنافقنما، ایهام، حس‌آمیزی و تلمیح» در کدام گزینه درست است؟ (سراسری، زین ۹۳)

(۱) الف - ج

۱۰۶ مفهوم کدام بیت نتیجه غفلت و کوتاهی در برابر دشمن را به تصویر می کشد؟

- ۱) در آن تاریک شب می گشت پنهان  
۲) در آن دریای خون، در قرص خورشید  
۳) اگر یک لحظه امشب دیر جند  
۴) چو لشکر گرد بر گردش گرفتند

۱۰۷ مفهوم مقابل بیت «به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید / نهان می گشت پشت کوهساران» در کدام بیت دیده نمی شود؟

- ۱) برآمد به کردار زرین چراغ  
۲) زمین شد به کردار تابده‌ماه  
۳) برآمد که خورشید شد لاجورد  
۴) پراکند بر لازورد ارغوان

۱۰۸ کدام مفهوم از دو بیتی زیر برداشت نمی شود؟

- ۱) به خوناب شفق در دامن شام  
۲) در آن دریای خون، در قرص خورشید

- ۱) خویشتن بیتی و غرور غروب خورشید

۱۰۹ مفهوم کدام بیت در مقابل آن درست نوشته شده است؟

- ۱) در آن باران تیر و برق پولاد  
۲) میان موج می‌رفتید در آب  
۳) چه اندیشید آن دم، کس ندانست  
۴) به پیش دشمنان استاد و گنجید

۱۱۰ مجموعه کتاب‌های تسبیح

۱) به دنال غذا گشتن در شب نبرد

(۲) شناکدن در رود و گذر از آب

(۳) گریستن جلال‌الدین

(۴) ره‌کردن وطن به دشمنان

۱) سرنوشت خونین ایران

۱) میان شام رستاخیز می‌گشت

۲) به رقص مرگ اختیار اینو و

که مژگانش به خون دیده تر شد

رهاند از بند اهريمن وطن را

۱) در دنیا گشتن در شب نبرد

۲) شناکدن در رود و گذر از آب

۳) گریستن جلال‌الدین

۴) ره‌کردن وطن به دشمنان

۱) سرنوشت خونین ایران

۲) میان شام رستاخیز می‌گشت

۳) به رقص مرگ اختیار اینو و

که مژگانش به خون دیده تر شد

رهاند از بند اهريمن وطن را

۱) در دنیا گشتن در شب نبرد

۲) شناکدن در رود و گذر از آب

۳) گریستن جلال‌الدین

۴) ره‌کردن وطن به دشمنان

۱) سرنوشت خونین ایران

۲) میان شام رستاخیز می‌گشت

۳) به رقص مرگ اختیار اینو و

که مژگانش به خون دیده تر شد

رهاند از بند اهريمن وطن را

۱) در دنیا گشتن در شب نبرد

۲) شناکدن در رود و گذر از آب

۳) گریستن جلال‌الدین

۴) ره‌کردن وطن به دشمنان

۱) سرنوشت خونین ایران

۲) میان شام رستاخیز می‌گشت

۳) به رقص مرگ اختیار اینو و

که مژگانش به خون دیده تر شد

رهاند از بند اهريمن وطن را

۱) در دنیا گشتن در شب نبرد

۲) شناکدن در رود و گذر از آب

۳) گریستن جلال‌الدین

۴) ره‌کردن وطن به دشمنان

۱) سرنوشت خونین ایران

۲) میان شام رستاخیز می‌گشت

۳) به رقص مرگ اختیار اینو و

که مژگانش به خون دیده تر شد

رهاند از بند اهريمن وطن را

۱) در دنیا گشتن در شب نبرد

۲) شناکدن در رود و گذر از آب

۳) گریستن جلال‌الدین

۴) ره‌کردن وطن به دشمنان

۱) سرنوشت خونین ایران

۲) میان شام رستاخیز می‌گشت

۳) به رقص مرگ اختیار اینو و

که مژگانش به خون دیده تر شد

رهاند از بند اهريمن وطن را

۱) در دنیا گشتن در شب نبرد

۲) شناکدن در رود و گذر از آب

۳) گریستن جلال‌الدین

۴) ره‌کردن وطن به دشمنان

۱) سرنوشت خونین ایران

۲) میان شام رستاخیز می‌گشت

۳) به رقص مرگ اختیار اینو و

که مژگانش به خون دیده تر شد

رهاند از بند اهريمن وطن را

۱) در دنیا گشتن در شب نبرد

۲) شناکدن در رود و گذر از آب

۳) گریستن جلال‌الدین

۴) ره‌کردن وطن به دشمنان

۱) سرنوشت خونین ایران

۲) میان شام رستاخیز می‌گشت

۳) به رقص مرگ اختیار اینو و

که مژگانش به خون دیده تر شد

رهاند از بند اهريمن وطن را

۱) در دنیا گشتن در شب نبرد

۲) شناکدن در رود و

۱۱۰. دو بیتی زیر گویای کدام یک از مفاهیم ذکر شده است؟

خروشان ژرف بی‌بهنا کف‌آلود  
دل شب می‌درید و پیش می‌رفت  
از این سذ روان در دیده شاه  
ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت

- ۱ سلطه شب ۲ اشک روان شاه ۳ خوش رو د ۴ شبیخون دشمنان  
کدام ایات به ترتیب نشان‌دهنده مفهوم «انتقام، جان‌فشنایی در راه وطن، تعداد زیاد لشکریان، حمله به لشکر دشمن» است؟

الف) زمستی بر سر هر قطعه زین خاک  
ب) دمار از جان این غولان کشم سخت  
ج) چو آتش در سپاه دشمن افداد  
د) ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت

- ۱ الف، ج، د، ب ۲ ب، الف، د، ج ۳ ب، د، الف، ج ۴ الف، ج، ب، د

معنی کدام عبارت در برابر آن نادرست نوشته شده است؟

۱ در آن ابیوه کار مرگ می‌کرد: در میان لشکریان بی‌شمار، خود را برای مرگ آماده می‌کرد.  
۲ بنای زندگی بر آب می‌دید: عمر خود را تام‌شدید می‌دید.  
۳ ز تن‌ها سر، ز سرها خود افکند: سپاهیان دشمن را می‌کشت.  
۴ دل شب می‌درید و پیش می‌رفت: در شب تاریک پیش می‌رفت.

۱۱۱. مفهوم بیت «بدان شمشیر نیز عافیت‌سوز / در آن ابیوه کار مرگ می‌گرد» با مفهوم کدام گزینه یکسان است؟

غم خوردن بیهوه نمی‌دارد سود  
دهقان قضا بسی چو ما کشت و درود  
به دست یکی بنده بر کشته شد  
نداشت جز کزی آموختن

بکشت از سواران دشمن هزار ۴ ابر کین آن شاهزاده‌سوار

۱۱۲. کدام گزینه با بیت «در ره عشق وطن از سر و جان خاسته‌ایم / تا در این ره چه کند همت مردانه‌ما» ارتباط مفهومی ندارد؟

پید آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است  
کنام پلنگان و شیران شود  
از آن به که میین به دشمن دهیم  
دست در آستین گواهم بس

۱ جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن  
۲ دریخ است ایران که ویران شود  
۳ اگر سر به سر تن به کشتن دهیم  
۴ ترک سر کرده‌ام به راه وطن

۱۱۳. مضمون بیت «شبی آمد که می‌باشد فدا کرد / به راه مملکت فرزند و زن را» با همه ایات، به‌جز ..... مشترک است.

دفن گردم به زیر خاک وطن  
ای وطن خواهان زنهار وطن در خطر است  
چه بسیار است، آن سرها که رفته  
هر جا که فرزندۀ خاکسترم گذشت

۱ جان سپارم به خاک پاک وطن  
۲ بلیل شیفتۀ خوب‌سخن در خطر است  
۳ به پاس هر وحش خاکی از این ملک  
۴ با همراهان بگوی سراغ وطن گرفت

۱۱۴. مفهوم عبارت «هر درختی را ثمره معین است که به وقتی معلوم، به وجود آن تازه آید و گاهی به عدم آن پژمرده شود و سرو را هیچ از این نیست و همه وقتی خوش است و این است صفت آزادگان» در کدام بیت دیده می‌شود؟

جواب داد که آزادگان تهی دست‌اند  
لیکنش با تو می‌شیر نشود رفتاری  
که سروهای جمن پیش قامتش پست‌اند  
و گرنۀ باغبان گوید که دیگر سرو ننشانم

۱ به سرو گفت کسی میوه‌ای نمی‌آری  
۲ سرو آزاد به بالای تو می‌ماند راست  
۳ یکی درخت گل اندر فضای خلوت ماست  
۴ تو را در بوستان باید که پیش سرو بنشینی

۱۱۵. در کدام بیت «آزادگی سرو» دیده نمی‌شود؟

گر دهد دست که دامن ز جهان در چین  
ای خوش‌سرو که از بار غم آزاد آمد  
گرش چو سوسن آزاده دهزبان بودی  
به راستی طلب آزادگی ز سرو چمن

۱ سر به آزادگی از خلق برآرم چون سرو  
۲ زیر بارند درختان که تعلق دارند  
۳ به بندگی قدش سرو معتبرف گشته  
۴ طریق صدق بیاموز از آب صافی دل

۱۱۶. مفهوم کدام بیت از مفهوم بیت «به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی / پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد» دورتر است؟

مشنوای خواجه که تا درنگری بر باد است  
بیدو دل سپردن سزاوار نیست  
گلش زهر دارد به خجره مبسوی  
من نکردم شما حذر بکنید

۱ آن که گویند که بر آب نهاده است جهان  
۲ جهان را نمایش چو کردار نیست  
۳ گذر جوی و چندین جهان را جوی  
۴ روزگارم بشد به نادانی

۱۱۷. مفهوم کدام بیت با سایر ایات متفاوت است؟

به مرو آتا کنون در گل تن البارسلان بینی  
که خطی کز خرد خیزد تو آن را زبان بینی  
که این آن نوبهاری نیست کش بی مهرگان بینی  
ز چندان باد لختی خاک و مشتی استخوان بینی

۱ سر البارسلان دیدی ز رفعت رفته بر گردون  
۲ ز بیزان دان نهار ارکان که کوتاه‌دیدگی باشد  
۳ بدین زور و زر دنیا چو بی عقلان مشو غره  
۴ که تا یک چند این‌ها گر نشانی بارجوبی تو

۱۱۸. مفهوم کدام بیت با مفهوم مصراع اول بیت زیر متفاوت است؟

ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد  
اگر رحمی کنی بر خوش‌چینی  
به شکرانه بار ضعیفان بکش  
به کام اندرم لقمه زهر است و درد  
بخور، ببخش که دنیا و آخرت بردی

۱ ثوابت باشد ای دلای خرمون  
۲ چو خود را قوی‌حال بینی و خوش  
۳ چو بینم که درویش مسکین نخورد  
۴ توانگرا چو دل و دست کامرانیت هست

# آزمون ۱ (میان قسم اول)

## آزمون

### قلمرو زبانی

#### (الف) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۱۵۸. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
- ۱) فتحعلی‌شا، فرزند دوم خود را راهی دارالسلطنه تبریز کرده بود.
  - ۲) رخت خود از باغ به راغی کشید.
  - ۳) امیر نامه‌ها فرمود و نیشته آمد و به توقيع مؤکد گشت.
  - ۴) فرمانده در لطف و صنع خدای
  - ۵) اگر لطفش قرین حال گردد

معادل معنایی	واژه
.....	اسب
.....	عمیق

برای هریک از واژگان داخل جدول، با توجه به متن‌های زیر یک معادل معنایی بنویسید.

۱۵۹. الف) چو بگذشت از پس آن جنگ دشوار از آن دریای بی‌پایاب آسان  
ب) چو لشکر گرد بر گردش گرفتند جو کشتی بادبا در رود افکند

#### (ب) املای واژگان

#### ۱۶۰. املای درست واژه‌ها را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- الف) به مغرب سینه مalan (غرس، فرقن) خورشید  
ب) زاغی از آن جا که (فراغ / فراق) ای گزید رخت خود از باغ به راغی کشید

#### ۱۶۱. واژه‌هایی که املای نادرستی دارند را بیابید و شکل درست آن‌ها را بنویسید.

- الف) اگر لطفش قرین حال گردد همه ادب‌ها اغال گردد  
ب) آن گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد. بانگ و هزاوز و قربو برخاست.  
ج) جواد خوان همراه برادران و فرزندانش چندین بار خود را بیرون از حصار به صفت آتش دشمن زد.

#### (ج) دستور

#### ۱۶۲. روابط معنایی هریک از جفت واژه‌های زیر را برسی کنید.

- الف) سیر و بیزار: ..... ب) خورشید و ماه: ..... ج) حیوان و شغال: .....

#### ۱۶۳. با توجه به هریک از عبارت‌های زیر، موارد خواسته شده را بنویسید.

- الف) مراسم کوچکی در آسایشگاه گرفتیم. (جمله مجھول)  
ب) بر همگان مسلم است که شما جنگاوران سرافراز، شجاعانه و مخلصانه جنگیدید. (جمله پایه و جمله پیرو)  
ج) در این کار از مشاوره با معلم هم آسایشگاهی‌ایم. «عباس درمان» و حاج آقا کرامت شیرازی بهره بردم. (شاحض)  
د) افسر و سرباز ما زمانی از مزه‌های وطنمان، خوب پاسداری می‌کنند که فکرشان از جانب میهن و اداره عالمانه ملک ایمن باشد. (ترکیب وصفی)

### قلمرو ادبی

#### (الف) معنی و مفهوم

#### ۱۶۴. هریک از موارد «الف» با کدام آرایه ذکر شده در ستون «ب» مرتبط است؟ (در ستون «ب» یک مورد اضافه است)

ب	الف
استعاره	۱) در ایران آن روز دو دربار بود؛ دربار بزم و دربار رزم.
متضاد	۲) ای سبحان الله! زری که سلطان محمود به غزو از بتخانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد.... قاضی همی نستاند!
جناس	۳) فرومی‌ریخت گردی زعفران‌رنگ / به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران
تمیح	۴) بگیر ای جوان دست درویش پیر / نه خود را بیفکن که دستم بگیر
مجاز	

۱۶۵. «کنایه» را در بیت زیر بیابید و مفهوم آن را بنویسید.

ز رخسارش فرو می‌ریخت اشکی  
بنای زندگی بر آب می‌دید»

۱۶۶. «تشیبه» و «ارکان تشیبه» را در عبارت زیر مشخص کنید.

«یکی از شبها با خیانت گروهی از شهر، راه برجی به روی محاصره‌گران باز شد و به دنبال آن، سپاه روس مثل مور و ملخ در پهنهٔ شهر پراکنده شدند.»

(ب) حفظ شعر

۱۶۷. آیات زیر را کامل کنید.

الف) دید یکی عرصه به دامان کوه

ب) نادره‌کبکی به جمال تمام

ج) هم حرکاتش

قلمرو فکری

(الف) معنی و مفهوم

۱۶۸. معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به فارسی روان بنویسید.

الف) این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می‌کشد؟

ب) امیر از آن جهان آمد، به خیمه فرود آمد.

ج) بونصر را بگوی که امروز دُرستم و در این دو سه روز بار داده آید.

۱۶۹. معنی و مفهوم آیات زیر را به فارسی روان بنویسید.

چه بسیار است آن سرها که رفت‌ه!

که بخشندۀ روزی فرستد ز غیب

الف) به پاس هر وجب خاکی از این مُلک

ب) زندان فروبرد چندی به جیب

(ب) درگ مطلب

۱۷۰. مفهوم عبارت‌های کنایی زیر را بنویسید.

الف) در احسان گشودن: .....

ب) فراغ تر زیستن: .....

ج) بر قدم کسی قدم کشیدن: .....

د) در هم رفتن چهره: .....

۱۷۱. بیت زیر چه ویژگی شخصیتی را توصیه می‌کند؟

چون شیر به خود سپه‌شکن باش فرزند خصال خویشتن باش

۱۷۲. با توجه به بیت زیر، صحنه نبرد جلال‌الدین با سپاهیان مغول چگونه بود؟

ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد

۱۷۳. با توجه به متن زیر، درستی یا نادرستی گزاره‌ها را مشخص کنید.

«این صلت فخر است، پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد و نگویم که مرا سخت دربایست نیست؛ اما چون به آن‌جه دارم و اندک است، قاعم، وزر و وَالِ این، چه به کار آید؟»

الف) قاضی، گرفن پاداش سلطان را مایه افتخار می‌داند.

ب) دلیل رد کردن پاداش‌های سلطان از سوی قاضی، بی‌نیازی او بود.

ج) قاضی، پذیرفتمن اموالی که از جنگ‌های هند به دست آمده را جایز می‌داند.

د) قناعت و پایبندی به اعتقادات از ویژگی‌های بارز قاضی بُست بود.

# آزمون ۲ (میان‌ترم اول)

## آزمون

### قلمرو زبانی

#### (الف) معنی واژگانی

۱۷۴. معنی کدام واژه نادرست است؟

- (۱) تیرهای: گمراهی  
(۲) جیب: گریبان  
(۳) ادبی: خوشبختی  
(۴) روشه: باغ

۱۷۵. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

خیال تازهای در خواب می‌دید

- (۱) در آن سیماب‌گون امواج لرزان  
(۲) زندگان فروبرد چندی به جیب  
(۳) بانگ و هزاره و غریبو خاست.  
(۴) ماند غرامت‌زده از کار خویش  
(۵) دربار از درون در تپ و تاب و التهاب بود.

#### (ب) املای واژگانی

۱۷۶. با توجه به عبارات زیر، املای مناسب واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- (الف) سپیده فردای گنجه با نهیب و (سفیر / صفير) گلوله‌های توپ روس باز شد.  
(ب) و ما حق این نعمت تندرنست که بازیافتیم، لختی (گزارده / گذارده) باشیم.

۱۷۷. در هریک از ایيات و عبارات زیر املای نادرست را بیابید و اصلاح کنید.

فرضی به رسم تحریبه از دوستان طلب

- (الف) معیار دوستان دقل روز حاجت است

(ب) مردان بار ار به نیروی همت و بازوی همیت کشند نه به قوت تن.

(ج) تا نزدیک نماز پیشین، از این مهمات فارق شده بود و خیلناشان گسیل کرده، پس رقعتی نیشت به امیر.

#### (خ) دستور

۱۷۸. نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

غروب آفتاب خویشتن دید

- (الف) در آن دریای خون در قرص خورشید

(ب) گفت من هچ مستحق نشناسم در بُست.

کاربرد معنایی واژه «جامه» را در هریک از عبارات زیر بررسی کنید و بنویسید که تفاوت معنایی آن در دو عبارت، از چه طریقی قابل فهم است؟

(الف) جامه‌ها افگندند و شراعی بر وی کشیدند.

(ب) جامه‌ها بگردانید و تر و تیاه شده بود.

۱۷۹. شکل مجهول فعل در جمله «آن‌ها هر روز کلاس را در حیاط مدرسه برگزار می‌کنند.» کدام است؟

- (۱) برگزار می‌شود  
(۲) برگزار شده است  
(۳) برگزار می‌شوند  
(۴) برگزار خواهد شد

۱۸۰. بیت زیر را از شیوه بلاغی به شیوه معیار بازگردانید.

در آن تاریک شب می‌گشت پنهان فروع خرگه خوارزمشاهی

- (الف) معنی و مفهوم

### قلمرو ادبی

#### (الف) معنی و مفهوم

۱۸۲. کنایه و تشییه را در بیت زیر مشخص کنید.

خیال تازهای در خواب می‌دید

- «در آن سیماب‌گون امواج لرزان

# آزمون ۴ (پایان قسم اول)



## قلمرو زبانی

### (الف) معنی واژگان

۳۷۶. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۱) حق تعالی چون اصناف موجودات می‌آفرید، وسائل گوناگون در هر مقام، بر کار کرد.

۲) خاله‌ام با همه تمکنی که داشت به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود.

۳) به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های زیین

در شیفته‌نامه تمام‌تر گشت

خدا داند چه افسرها که رفتہ

۴) هر روز خنیده نام‌تر گشت

۵) زمستی بر سر هر قطعه زین خاک

### (ب) املای واژگان

۳۷۷. با توجه به ایيات و عبارات زیر، املای مناسب هر مورد را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) نادره کبکی به جمال تمام

شاهد آن (روزه / روضه) فیروزه‌فام

ب) ایزد رحمت کرد بسی از نمودن قدرت و (سره / صور) و شادی‌ای به آن بسیاری تبره شد.

۳۷۸. با توجه به ایيات و عبارات زیر، واژگانی را که املا یا رسم الخط نادرست دارند، بیاید و اصلاح کنید.

الف) نگویم که مرا سخت دربایست نیست امام چون به آچه دارم و اندک است، قائم، وذر و وبال این، چه به کار آید؟

ب) مشاهده صحنه‌های ناب و توفنده‌گی فرزندان میهن، برای رویارویی با دشمن، عباس جوان را به وجود می‌آورد.

ج) رفیقی خوش‌خلق و بزله‌گو که عندلیب انجمن و اُنس ما محسوب می‌شد، از خنده پسرک، شادمان او را صدا زد.

د) بهرس ارشربی خوردم مگیرازمن که بدکردم

بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا

### (خ) دستور

۳۷۹. نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) خاله‌ام نیز خوشوقت بود که من نسبت به کلام سعدی علاقه نشان می‌دادم.

ب) پدر جلال الدین، محمدبن حسین خطیبی، معروف به بهاء الدین ولد» از دانشمندان روزگار خود بود.

۳۸۰. بیت زیر را از شیوه بلاغی به شیوه معیار بازگردانید.

برداشته دل ز کار او بخت

درماند پدر به کار او سخت

۳۸۱. هسته و واپسیهای هر گروه اسمی را در جمله زیر مشخص کنید.

«دکتر خداداد، استاد فلسفه و از دوستان نزدیک آقای تمدن است.»

۳۸۲. جمله پایه و جمله پیرو را در عبارت زیر مشخص کنید.

«اگر حق تعالی را با این قالب، سر و کاری خواهد بود، در این موضع تواند بود.»

## قلمرو ادبی

### (الف) معنی و مفهوم

۳۸۳. بیت زیر را از نظر کاربرد آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

«فرزند عزیز را به صد جهد بشاند چو ماه در یکی مهد»

## قلمرو زبانی

## (الف) معنی واژگان

۵۵۰. معنی کدام واژه نادرست نوشته شده است؟

- (۱) چاوهش: اشعار مذهبی      (۲) موبد: روحانی زرتشتی  
 (۳) بالبداهه: بدون اندیشه قبای      (۴) متفق: هم سو

۵۵۱. با توجه به ایات و عبارات، معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.

- (۱) بیدندهش آنها و برخاست غزو      (۲) تا بوسه گاه وادی این براييم  
 (۳) جلال الدین محمد به اصرار مریدان و شاگردان پدر مجالس درس و عظ را به عهده گرفت.  
 (۴) گو يا رب از اين گزاف کاري      توفيق دهم به رستگاري  
 (۵) از هر طرف نغير برآمد.

## (ب) املای واژگان

۵۵۲. در هریک از متن های زیر املای کدام واژه نادرست است؟ شکل درست نوشتاری آنها را بنویسید.

- (الف) وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم      دل بر عبور از سد خوار و خاره بندیم  
 (ب) روزی یاران الحاج کردند و مرا به تفرق بردنند؛ ناگاه مردی از کناره ای درآمد و نبرد خاست.  
 (ج) من نهایت بعد اختیار کردم که غربت را خطر بسیار است.  
 (د) روز پنج شنبه امیر را تب گرفت؛ تب سوزان و سر صامی افتاد.  
 (ه) چنین قفس نه سرای چومن خوشحالیست      روم به گلشن رزوان که مرغ آن چمنم

## (ج) دستور

۵۵۳. با توجه به متن زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

«گویند در شب آخر که بیماری مولانا سخت شده بود، خویشان و پیوستگان، بسیار نگران و بی قرار بودند و سلطان ولد، فرزند مولانا، هر دم بی تابانه به بالین پدر می آمد و باز از اناق بیرون می رفت.»

- (الف) چند ترکیب وصفی و اضافی دیده می شود؟ مشخص کنید.  
 (ب) چند واژه نقش تبعی دارند؟ نوع آنها را مشخص کنید. (بدل، معطوف، تکرار)  
 (ج) قیدهای به کار رفته در این متن را بنویسید.

۵۵۴. بیت زیر را از شیوه بلاغی به شیوه فارسی معیار بازگردانید.

«یکی بی زیان مرد آهنگرم ز شاه آتش آید همی بر سرم»

## قلمرو ادبی

## (الف) معنی و مفهوم

۵۵۵. کاربرد «مجاز» را در ایات زیر بررسی کنید.

- (الف) چو کاوه برون شد ز درگاه شاه  
 (ب) از آن چرم کاهنگران پشت پای

۵۵۶. آرایه های بیت زیر را بنویسید. (حداقل سه مورد)

«چو شیر خدا راند بر خصم تیغ      به سر کوفت شیطان دو دست دریغ»

## آزمون ۷ (پایان ترم دوم)



## قلمرو زبانی

## (الف) معنی واژگان

۷۱۶. معنی کدام واژه نادرست ذکر شده است؟

۴) اهمال: کوتاهی

۳) ارک: قلعه

۲) مفترح: شاد

۱) حشر: رستاخیز

۷۱۷. با توجه به ایيات و عبارات، معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۱) اعتقاد به بقای خاندان سلطنت دارید و نظام شاهنشاهی را موهیتی الهی می‌دانید.۲) زاغی در حوالی آن، بر درختی بزرگ گشن خانه داشت.۳) چنین آن دو ماهر در آداب ضرب ز هم رد نمودند هفتاد حرب۴) نباشم بدین محضر اندر گوا نه هرگز براندیشم از پادشا

۵) پیوسته به افغان و زاری و بی‌قراری شمس را از هر کوی و بوزن جست‌وجو می‌کرد و نمی‌یافتد.

## (ب) املای واژگان

۷۱۸. با توجه به مفهوم، در هریک از عبارات زیر املای مناسب واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.

۱) اوست که عادل مطلق است و (خوان / خان) عدل خود را بر همگان گسترد.  
۲) پیروز کارش نوحه‌سرایی برای زنان بود و (روزه / روضه) می‌خواند.  
۳) و حالی (ثواب / صواب) آن باشد که جمله به طریق تعاون قوّتی کنید تا دام از جای برگیریم.۷۱۹. املای نادرست را در ایيات و عبارات زیر بیابید و اصلاح کنید.

۱) صداها و نعره‌های درهم شترهای هامل زنبورک، قاطرهای بارکش و اسب‌ها با آهنگ طبل‌ها درمی‌آمیخت.

۲) بونصر را بگوی که زرهاست که پدر ما از قزو هندستان آورده و حلال‌تر مال‌هast.  
۳) صیاد گرازان به‌تگ ایستاد تا ایشان را در ظبط آرد و کبوتران اضطرابی می‌کردند.

## (ج) دستور

۷۲۰. در کدام جمله شناسه فعل به قرینه حذف شده است؟

الف) شیران غرّیدند و بهاتفاق آهو راهانید.

ب) مرا بدین ملامت نباید کرد که من ریاست این کبوتران تکفل کرده‌am.

۷۲۱. گروههای اسمی به کاررفته در عبارت زیر و وابسته‌های پسین آن‌ها را (با ذکر نوع) مشخص کنید.

«تا آن روزها که کلاس هشتم بودم، خیال می‌کردم، عینک، مثل تعلیمی و کراوات یک چیز فرنگی‌ماهی است.»

۷۲۲. نقش واژه «خندان» را در دو عبارت زیر بررسی کنید.

الف) بهار، خندان از راه می‌رسد و بالغچه‌های غفلت را بیدار می‌کند.

ب) کسی که با زندگی اش بیگانه بود، امروز به لطف این کتاب، خندان است.

۷۲۳. هریک از موارد «الف» با توجه به زمان فعل آن با کدام مورد در گروه «ب» مرتبط است؟ (یک مورد در گروه «ب» اضافه است).

ب	الف
ماضی نقلی	۱- پرتو آفتاب، مانند طلا روی امواج دریا می‌درخشید.
ماضی التزامی	۲- هر کدام از ما، یک برگ از این شکوفه را میان اوراق کتابی به یادگار، ضبط کنیم.
ماضی استمراری	۳- یاران مولانا، پژمردگی و دلتنگی او را در غیبت شمس دیده بودند.
مضارع اخباری	۴- خاک در کمال مذلت و خواری با حضرت عزّت و کبریایی، چندین ناز می‌کند.
ماضی ساده	



# آزمون ۹ جامع (پایان سال)



## قلمرو زبانی

### (الف) معنی واژگان

**۷۵۴.** معنی کدام واژه نادرست است؟

۴) شماتت: دشنام

۳) متواتر: بی دربی

۲) نزند: زبون

۱) راغ: صحراء

**۷۵۵.** معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

(۱) موقع را معتبرم شمردم

(۲) تا نظر او از ما منقطع گردد، نومید و خایب بازگردد.

(۳) علم در همه بای لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق.

(۴) خاک ذلیل را از حضرت عزت به چندین اعزاز می‌خواند.

(۵) سپیده فردای گنجه با نهیب و صفیر گلوله‌های توب روس باز شد.

### (ب) املای واژگان

**۷۵۶.** با توجه به هر بیت یا عبارت، املای درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.

(الف) همسنگران و یاران عزیز، (غرض، قرض) از گردهمایی امروز؛ بیان نکته‌هایی مهم است.

(ب) و از تجارت برای دفع حوادث (صلاح، سلاح)ها توان ساخت.

**۷۵۷.** در عبارات زیر، نادرستی‌های املایی یا رسم الخطی را بیابید و اصلاح کنید.

(الف) زادالمعاد و کتاب دعا و کتاب جودی و هرچه از این کتب تعزیه و مرصیه بود، همراه داشت.

(ب) هر عصب و فکر به منبع بی شاعبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت.

(ج) با وجود پایداری مردم، سرسپرده‌گی از دشمنان خانگی سبب شد دروازه بخش‌های وسیعی از ققاز به روی دشمن باز شود.

(د) و امید شبگیر برنشتست و به کران دور هیرمند رفت با بازان و یوزان و حَشم و ندیمان و مطریان.

### (ه) دستور

**۷۵۸.** در سروده زیر، نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«از شعله / به خاطر روشنایی اش / سپاسگزاری کن / اما چراگدان را هم / که همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد، از یاد مبر»

**۷۵۹.** با توجه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«همین که شاگردان به عقب نگریستند و عینک مرا با توصیفی که از آن شد، دیدند؛ یک مرتبه گویی زلزله آمد و کوه شکست. صدای مهیب خنده آنان کلاس و مدرسه را تکان داد. هر و هر تمام شاگردان به قهقهه افتادند.»

(۱) در متن بالا چند «ترکیب اضافی» و چند «ترکیب وصفی» دیده می‌شود؟ مشخص کنید.

(۲) نقش تبعی و نوع آن را مشخص کنید.

(۳) جمله پایه و جمله پیرو را مشخص کنید.

(۴) جمله مشخص شده را مجهول کنید.

## قلمرو ادبی

### (الف) معنی و مفهوم

**۷۶۰.** در عبارت زیر «استعاره» را بیابید.

«چون او را در بند بلاسته دید، زه‌آب دیدگان بگشاد و بر رخسار جوی‌ها براند.»

**۷۶۱.** آرایه‌های به کاررفته در بیت زیر را مشخص کنید.

«چو آن آهنین کوه آمد به دشت همه رزمگه کوه فولاد گشت»



پاسخنامه تشریح

۶۸

**گزینه (۱)** شاعر خود را به گل تشبیه کرده است. «حرف» مجاز از «سخن» است و «یاغ» استعاره از «جهان». «گوش افکنند» کنایه از به دقت گوش دادن و «راه به جایی بردن» نیز کنایه از به نتیجه رسیدن است.

### قلمرو فکری (قرابت معنای)

۶۹

**گزینه (۲)** راوی این بخش از متن تاریخ بیهقی خود «ابوالفضل بیهقی» است. او خود مستقیماً در جریان برخی از رویدادهای زمان غزنویان بوده و آنها را در خود (تاریخ بیهقی) نقل کرده است.

۷۰

**گزینه (۱)** گزینه های ۲ و ۳ به خاطر این نادرست اند که بیهقی خودش می گوید من تا زمانی که نامه های پسران علی تکین آمد «امیر را هیچ ندیدم!»، علت نادرستی گزینه ۴ هم این است که بونصر نامه های را که مطلب ناراحت کننده ای داشتند، خلاصه می کرد، نه این که خط می کشید؛ اما مفهومی که در گزینه ۱ آمده از متن «من (نامه ها) را به آغازی خادم می دادم و خیر خیر جواب می آوردم»، دریافت می شود.

۷۱

**گزینه (۱)** این کارها برای کم کردن (تخفیف) تب امیر مسعود انجام گرفته بود. پرده های کنان را تر کرده اند و آویخته اند، با کمی ورش نسیم از لابه لای آنها خواه نشک می شد. «کولر» آبی بدون مصرف برق!

۷۲

**گزینه (۲)** «امروز درستم» یعنی امروز سالم و تندرست هستم (رد گزینه های ۳ و ۴؛ «بار داده آید» یعنی اجازه ملاقات داده خواهد شد (می هم) (رد گزینه ۱)، «علت»: مرض؛ «تمامی»: به تمامی، کامل؛ «زایل شد»: بر طرف شد

۷۳

**گزینه (۱)** منشی با کافیت (دیر کافی) شادمانه (به شاط) شروع به نوشن کرد (قالم درنهاد)، تا هنگام نماز ظهر (نزدیک نماز بیشین) از عهده همه امور خطیر (از این مهمات) برآمد (فارغ شده بود)؛ نوکران و چاکران (خیلشاپان) را برای مأموریت روانه کرد (گسیل کرده)، تا اینجا درستی ۳ گزینه را دیدیم؛ اما گزینه ۴ رقعتی نوشته به امیر و هرچه کرده بود را برای او شرح و مراد داد؛ نامه ای برای امیر نوشته و کارهایی که کرده بود را برای او شرح داد و آن نامه را به من داد.

۷۴

**گزینه (۱)** عبارت «و نگویم که مردا سخت دریاست نیست» نشان می دهد که قاضی به آن مال سپار نیازمند بود؛ اما نباید فتنش دلیل دیگری داشت. برسی سایر گزینه ها: گزینه ۱: «چون به آنچه دارم و اندک است قانع...»؛ استرداد صله به دلیل خرسندی به کم دنیا. گزینه ۳: «این صلت فخر است، پذیرفت و بازدادم»؛ قبول صله با سپاس و استرداد آن. گزینه ۴: «و قیامت سخت نزدیک است. حساب این تتوائم داد»؛ پذیرفتن و بازدادن به عملت تردید در حال بودن مال.

۷۵

**گزینه (۱)** اگر دقت کنید مفهوم سه گزینه اول قناعت و بلندهمتی است. عنقا نهنگ دریا و عقاب خود را خوار و کوچک نمی کنند؛ اما در گزینه ۴ مفهوم اصلی این است که با توانایت از خود درافتادن، نشانه حماقت و نادانی است. (سرزنش درافتادن با نیر و مندر از خود)

۷۶

**گزینه (۲)** عبارت سؤال را برای خود خلاصه کنید: «ای سبحان الله! زری که ... آن قاضی همی نستاند؟»؛ پس بونصر از این تعجب می کند که قاضی طلاها را نپذیرفت؛ طلاهایی که ... (قسمتی که در عبارت متن حذف کردیم و پیشگی آن طلاها بود: «سبحان الله» که برای آنها گفته نمی شود؟)

۷۷

**گزینه (۳)** مفهوم عبارت سؤال قناعت کردن به داشته ها و بسنده کردن به آن هاست که در گزینه های ۱، ۲ و ۳ نیز به گونه ای دیده می شود؛ اما در مفهوم گزینه ۴ نوعی ناجاری و ضرورت نیز دیده می شود؛ قناعت و سازگاری می کنم؛ زیرا چاره دیگری ندارم.

۷۸

**گزینه (۱)** در سه گزینه اول دلیل شخصی برای پرهیز از تنعم و پذیرفتن صله قانع بودن به داشته هاست؛ اما در گزینه ۴ تردید در حلال یا حرام بودن صله علّت نپذیرفتن آن است.

۷۹

**گزینه (۲)** مفهوم این گزینه تأثیر نداشتن تربیت در ذات ناهلان است (= تربیت ناهلان را چون گرد کان بر گنبد است؛ اما در سایر گزینه ها نکوهش تقلیدهای کور کورانه دیده می شود).

۸۰

**گزینه (۳)** در این گزینه «خود پسندی» نکوهیده شده است؛ اما سایر گزینه ها به کور کورانه تقلید نکردن توصیه می کنند.



و تا وقتی در گزینه‌ای دیگر می‌توانیم مجاز بباییم، نباید استعاره را مجاز بر اساس رابطه شبیهی بدانیم.

**گزینه (۱)** در گزینه ۲ «لعت جلاک» استعاره از معشوق است. در گزینه ۳ «فتنه ایام» اضفه استعاری است (فتنه کردن به ایام نسبت داده شده). در گزینه ۴ نیز «دامن آفاق» اضفه استعاری است؛ اما در گزینه ۱ استعاره دیده نمی‌شود.

**گزینه (۱)** در این گزینه سه رابطه تضاد وجود دارد: ۱) زیر و بالا (۲) شیرین و تلخ (۳) پرسش و جواب  
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه ۲: «درد و درمان»، «زخم و مرهم» / گزینه ۳: «شکر و زهر»، «وصل و جدای» / گزینه ۴: «هستی و مرگ»

**گزینه (۲)** گزینه ۱: «سینه‌مالان» کنایه از آهسته است و «سینه‌مالان رفتن خورشید» تشخیص و استعاره محسوب می‌شود. گزینه ۲: «سد روان» تضاد (پارادوکس) است و «موج» به «نیش» شبیه شده است. گزینه ۴: هم «[تو] چو نخل باش» و «[تو] چو سرو باش» هر دو شبیه هستند؛ دست نیز مجاز از قدرت و توانایی است. اما در گزینه ۳ «در» و «سر» جناس ناهمسان را می‌سازند؛ ولی استعاره در آن دیده نمی‌شود.

**گزینه (۲)** در همه گزینه‌ها ۴ شبیه به کار رفته؛ اما در گزینه ۲ دو شبیه وجود دارد.  
بررسی شبیههای در گزینه‌ها: ۱) سرورفتار، صنوبرقامت، مادرخسار و ملایک منظر از شبیههای درونوازه‌ای هستند. (یعنی یک واژه مرکب یا وندی - مرکب که که یک جزو آن مشبه و جزو دیگر مشبه است)، ۳) همای فر (کسی که فر و شکوهی مانند همای دارد). «طلای حُسن»، طوطی‌نطق (کسی که مانند طوطی خوش‌سخن است)، «تو» مانند «تذرو» راه می‌روی. (تذروفتار)، ۴) بنفشه زلف، نسرین‌بَر، سمن بو شبیههای درونوازه‌ای هستند و در مصراج دوم شبیه پنهان دیده می‌شود؛ زیبایی تو برای ماه بازار نگداشت و بازار ما را شکسته است. (تو مانند ما، بلکه زیباتری).

**گزینه (۲)** در بیت «الف» آرایه‌های مجاز، کنایه و تضاد دیده می‌شود؛ خرگه مجاز از قدرت و شاهی، «پنهان‌شدن فروغ خوارزمشاهی» کنایه از افول قدرت خوارزمشاهیان، تاریک و فروغ نیز تضاد دارند.

در بیت «د» نیز همین آرایه‌ها دیده می‌شود؛ «جهان» مجاز از مردم ایران یا خود ایران؛ در خون نشستن» کنایه از نابودی و شکست، شب و سپیدهدم نیز تضاد هستند.

بررسی آرایه‌های سایر ایات: بیت «ب»: «رخسار و اشک تناسب دارند؛ «بنای زندگی» اضفه شبیه است (اضفه استعاری هم بگوییم نادرست نیست)؛ «بنای چیزی را در آب دیدن» کنایه از پی بردن به زوال و نابودی آن.

بیت «ج»: «خوناب شفق» اضفه شبیه: «دامن شام» تشخیص و استعاره.

**گزینه (۳)** در گزینه ۱ «جو» به معنی «وقتی که» است و ادات شبیه نیست؛ اضافه شبیهی نیز در بیت دیده نمی‌شود. «بادپیما» و «بادپیما» را می‌توان جناس ناهمسان (افزایشی) دانست؛ اما جناس همسان در این بیت دیده نمی‌شود. تکرار صفت «ا» آرایه واج آرایی را در این بیت به وجود آورده است. در گزینه ۲ تکرار صفت «س» در مصراج دوم واج آرایی است. (اللهصفت) نیز شبیه است. (شاعر خود را به لاله شبیه کرده است)؛ بین واژه‌های «سودا» و «سویدا» نه تنها جناس همسان، بلکه جناس ناهمسان نیز وجود ندارد؛ زیرا اختلاف آنها بیش از یک واج است. سودا - سویدا؛ تناسب

هم در این بیت وجود ندارد. در گزینه ۴ «آفتاب‌رو» اضفه شبیه است؛ واج آرایی با تکرار واج های اا و «ساخته شده، آفتاب و ماه تناسب دارند؛ اما جناس همسان در این بیت دیده نمی‌شود. (ماه، راه، جناس ناهمسان) - (ماه - ماه: تکرار)

بررسی آرایه‌ها در بیت ۳: واج آرایی: تکرار صفت «و» و صفت «ک» / جناس همسان: کوفته در مصراج اول به معنی نوعی غذا و در آغاز مصراج دوم به معنی «خسته» است؛ پس جناس همسان را می‌سازد (کوفته سوم هم به معنی نوعی غذا است). / در بیت ۴ «کوفته» به معنی کوییده، ضربه‌زده است.

**گزینه (۲)** در این گزینه واژه‌های «حسد»، «منصب» و «وصال» ارزش املایی دارند و هر سه با توجه به معنی بیت درست نوشته شده‌اند؛ اما در سایر گزینه‌ها: در گزینه ۱ غرس (کاشتن نهال) مناسب بیت نوشته شده‌اند؛ با توجه به «خورشید» املای درست آن «قرص» است. در گزینه ۲ نیز واژه «فرق» املای درستی ندارد و باید به شکل «فروغ» نوشته شود. در گزینه ۳ واژه «سمر» (افسانه) مناسب معنی بیت نیست و با توجه به واژه «درخت» باید به شکل «تمر» (میوه) نوشته شود.

**گزینه (۱)** در این گزینه واژه‌های «بیت‌الاحزان»، «جیحون» و «فووار» ارزش املایی دارند؛ اما درست نوشته شده‌اند. در گزینه ۲ با توجه به مفهوم جمله، «قدر» به معنی ارزش و اندازه مناسب نیست و باید به شکل غدر (به معنی جفا، ستم) نوشته شود. در گزینه ۳ «آزاده گان» از نظر رسم الخطی درست نیست و باید به شکل «آزادگان» نوشته شود. وقتی به واژه «آزاده» علامت جمع «ان» اضفه می‌شود، به جای «» پیش از علامت جمع «گ» میانجی نوشته می‌شود. (از اول هم «» در تلفظ این واژه نبود و فقط برای نشان دادن صدای «» نوشته می‌شد). در گزینه ۴ «خاست» به معنی بلند شد و برخاست مناسب نیست. املای درست و مناسب، با توجه به مفهوم جمله، «خواست» به معنی «طلب کرد» است. واژه‌های مهم املایی: عفو (بخشنش)، اغراض (چشم پوشیدن)، کراحتی (هم خانواده اکراه)، مثال (دستور)، اعتماد (هم خانواده معتمد)، صفت، آثار (جمع اثر)، نجابت (هم خانواده نجیب)، کریمه (مؤثث کریم)، خطبه (هم خانواده خطاب، مخاطب)

**(ب) دستور زبان**

**گزینه (۲)** در این گزینه «غروب» هسته گروه اسمی «غروب آفتاب» خویشتن است و این گروه اسمی نقش مفعولی دارد؛ پس می‌توانیم بگوییم «غروب» مفعول است. (چه چیز را دید؟ غروب را)

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) چه چیز نهان می‌گشت؟ روى روشن روز (جمله درباره «روى روشن روز» است)، پس این گروه اسمی «نهاد» است؛ ۲) «دیده» و «شاه» هر دو اسم هستند و به هم اضافه شده‌اند؛ پس «شاه» مضاف‌الیه است. ۳) «می گشت» فعل اسنادی و «پنهان» سنت است.

**گزینه (۳)** در گزینه ۱ «قرص خورشید» نهاد است؛ زیرا «نهان» می‌گشتند در گزینه ۲ «فروغ خرگه» خوارزمشاهی نهاد و مصraig اول گرازه آن است. در گزینه ۳ «جلال‌الدین» نهاد جمله و محذوف است. در گزینه ۴ جمله درباره «آخرهای انبیه» است.

**گزینه (۱)** **ترنده** نشانه «را» گاهی نشانه فک اضافه است. گاهی نشانه مفعولی است و گاهی به جای حروف اضافه دیگر به کار می‌رود. گاهی هم مفعول بدون این نشانه می‌آید؛ پس فریب ظاهر آن را نخوردید و برای پیدا کردن مفعول پرسید: «چه کسی را؟» و «چه چیز را» + فعل. در گزینه ۱: «را» به جای «از» به کار رفته و نشانه مفعولی نیست. مفعول در گزینه ۲ و ۴ بدون نشانه «را» به کار رفته؛ اما درست مشخص شده است.

**گزینه (۲)** در گزینه ۱ «دوشادوش» حالتی را بیان می‌کند. در گزینه ۳ «چند روز مانده به عید» زمان آغاز زندگی مشترک را بیان می‌کند و در گزینه ۴ تکرار واژه «bedo» حالت «آمدن» را مشخص کرده است؛ اما در گزینه ۲ واژه‌ای که این ویژگی‌ها را داشته باشد، دیده نمی‌شود. در این گزینه «شب» اسم است و «مضاف‌الیه» واقع شده است.

**گزینه (۱)** «خروشان»، «زرف»، «بی‌بهنا» و «کف‌آلود» هر کدام حالت «پیش رفتن رود سند» را بیان می‌کنند و قید هستند. در این بیت «شب» مضاف‌الیه و «بیش» جزء فعل است و نباید آنها را قید به حساب آورد («بیش رفتن» فعل مرکب می‌سازد).

## قلمرو ادبی (آرایه‌های ادبی)

**گزینه (۱)** «دریای خون» استعاره از شفق و «آفتاب» استعاره از عمر است. «غروب آفتاب خود را دیدن» کنایه از به پایان رسیدن عمر و بی در بیت دیده نمی‌شود.

**گزینه (۲)** در این گزینه «افسر» مجاز از «سر» و «جان» کسانی است که در راه وطن فدا شده‌اند. در گزینه ۱ «بادپا» استعاره از «اسب» است